

چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم؟*

در یک جنگ شکست و پیروزی چه وقت و در چه مواردی رخ می‌دهد؟

در ابتدا شکست‌ها و پیروزی‌ها را به سه قسمت تقسیم می‌کنیم:

۱- پیروزی و شکست در اهداف و سیاست‌های ملی و نظامی

۲- پیروزی و شکست در استراتژی نظامی

۳- پیروزی و شکست در صحنه عملیات نبرد

و یادآور این نکته می‌گردم که پیروزی‌ها و شکست‌های رخ داده در صحنه نبرد در صورتی که فراگیر، عمیق و پایدار باشد منجر به پیروزی و یا شکست در مقاطع ۱ و ۲ می‌شوند و همین‌طور پیروزی و موفقیت و یا شکست در مقاطع ۱ و ۲ می‌تواند منتج به پیروزی یا شکست در صحنه نبرد گردد و بالعکس.

چون بررسی پیروزی‌ها و شکست‌های قریب به هزار عملیات بزرگ و کوچک نه ضرورت دارد و نه فرصت آن در این نوشتار هست و از طرفی با توجه به پیروزی‌های عمده در عملیات‌هایی چون ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، کربلای ۷، کربلای ۱ و ۲، محرم، فاو، خوارزم، میمک، الله‌اکبر و نابودی نیروی دریایی عراق (عملیات مروارید) که تمامی این‌ها منجر به آزادسازی مناطق اشغالی خودی و تصرف مناطقی در داخل خاک عراق گردید بررسی مقطع یا نوع سوم بالا ضرورت عام ندارد بلکه برای متخصصین فن در بررسی تاکتیکی هر عملیات ضروری و مفید است. از این رو تبیین پیروزی یا شکست در استراتژی نظامی و در اهداف و سیاست‌ها کفایت می‌کند تا ما را به سر منزل مقصود برساند.

حال در اینجا با توجه به انواع و مراحل استراتژی نظامی صدام که بیان گردید و همین‌طور اهداق و سیاست‌های استکبار و صدام در تحمیل جنگ و با عنایت به پیروزی‌های بزرگی که در بیرون راندن دشمن از سرزمین پاک اسلامی ما گردید، می‌توان پیروز نهایی جنگ یعنی پیروز در اهداف و سیاست‌ها را شناخت.

* نویسنده: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

پیروز دفاع هشت ساله کیست؟

همانطور که می‌دانید حمله کننده و دفاع کننده از اقدام خود اهداف سیاسی، مادی و یا معنوی را تعقیب می‌کنند یعنی حمله کننده با اهدافی جنگ را شروع می‌کند تا با کسب پیروزی در جنگ آن اهداف را تأمین نماید و دفاع کننده با اقدام به دفاع اهدافی را تعقیب می‌کند که عمده آنها ناکام نمودن حمله کننده در رسیدن به اهدافش است لذا اگر هر کدام به اهداف خود در پایان جنگ برسند و آن اهداف را بتوانند حفظ نمایند آن طرف پیروز جنگ است. - با این توضیح و ذکر اهداف دشمن، طرف پیروز جنگ مشخص می‌شود. لازم است اهداف طرفین را یادآور شوم.

اهداف صدام از تحمیل جنگ

اهداف صدام که غلناً مطرح نمود به شرح زیر است که برایتان گفته شد و با این اهداف تجاوز را شروع کرد.

- لغو قرارداد ۱۹۷۵ یعنی تصاحب اروندرود و قسمت‌هایی از سرزمین ما در غرب و جنوب.
- جدا کردن شهرهائی از استان خوزستان که جمعیت عرب زبان دارد و مناطق نفت خیز جنوب.
- ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران.
- بدست آوردن رهبری در خلیج فارس و در بین اعراب.
- رفع محدودیت دسترسی به خلیج فارس.

اهداف پشتیبانان صدام یا استکبار شرق و غرب از تحمیل جنگ به ایران اسلامی

اهداف پشتیبانان صدام که در رأس آنها آمریکا و غرب بود را از این جنگ بیان کردم که به شرح زیر می‌باشد:

- محبوس کردن انقلاب
 - از محتوا تهی کردن آن
 - به سازش کشانیدن و در نهایت ساقط کردن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
- این موارد که تا اینجا ذکر شد هدف یک طرف جنگ یعنی آغاز کننده، متجاوز یا حمله کننده اولیه در این جنگ تحمیلی بود که دفاع مقدس هشت ساله جمهوری اسلامی

را ضروری و الزامی می کرد حال باید اهداف دفاعی جمهوری اسلامی را هم یاد آور شویم تا بتوانیم پیروز را از شکست خورده تمیز دهیم.

« ما در این جنگ پرده از چهره جهانخواران و حامیان به اصطلاح بشریت برداشتیم »
امام خمینی (ره)

اهداف جمهوری اسلامی در دفاع مقدس

- ممانعت از تجزیه ایران اسلامی
- استقرار قرارداد ۱۹۷۵
- بازپس گیری کلیه سرزمینهایی که در تجاوز دشمن اشغال گردیده
- حفظ و اعتلای نظام اسلامی
- معرفی چهره صدام و نظام بعث بعنوان متجاوز
- حفظ امنیت ، عزت و شرافت ایران اسلامی
- دادن پند و عبرت به دیگر دشمنان نظام اسلامی و در حقیقت ایجاد قدرت بازدارندگی برای آینده
- امیدوار کردن مستضعفین و مسلمین مظلوم سراسر دنیا به حرکت‌های همراه با ایمان و ایثار و توکل و مستقل از شرق و غرب در دفاع از خود، دین و شرف خویش.
- تنبیه متجاوز

چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم؟

با عنایت به اهداف ذکر شده به دو طریق می توانیم طرف پیروز و طرف شکست خورده را از هم باز شناسیم:

الف- از نظر کلی، یعنی بدون بررسی مراحل و مقاطع عمومی جنگ و صرفاً از طریق دستیابی طرفین به اهداف غایی خویش از جنگ یا دفاع

ب- از طریق مرحله بندی با تجزیه عمومی جنگ و حصول به اهداف در هر مرحله سپس ترکیب مراحل جمع بندی آن که هر دو شیوه را بصورت بسار فشرده، بیان می‌داریم.

الف- از نظر کلی

(۱) - با توجه به اهداف صدام:

- در پایان جنگ دیدیم که صدام مجبور شد عهدنامه ۱۹۷۵ را بپذیرد.
- زمینهای متصرفی را رها کند و به کشور خود برگردد.
- به تجزیه کشور ما موفق نشد.
- به ساقط کردن نظام هم موفق نگردد.
- حامیان صدام نیز به اهداف خود نرسیدند یعنی انقلاب محبوس نشد.
- انقلاب تهی نشد.
- انقلاب به سازش کشیده نشد.
- نظام دینی ساقط نشد.

(۲) با توجه به اهداف دفاعی جمهوری اسلامی ایران:

- ما به اهداف دفاعی خود به شرح زیر رسیدیم:
- قرارداد ۱۹۷۵ مستقر شد. (اراده سیاسی ما بر صدام تحمیل شد)
- سرزمین هایمان آزاد شد.
- صدام بعنوان متجاوز معرفی شد.
- تجزیه و تفکیک قسمت‌هایی از ایران انجام نشد.
- جمهوری اسلامی ایران ساقط نشد.
- عزت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران، اعتلا یافت و به جهانیان نشان داده شد.
- ساختارهای دفاعی کشور نهادینه شده و مقتدر گردید.
- قطع نامه ۵۹۸ با بیشترین نظرات اعلامی ایران تغییر یافته و پذیرفته شد.
- لذا طرف پیروز جنگ ایران اسلامی است، چون دشمنان را از رسیدن به اهدافشان مانع شده و خود نیز به اهداف دفاعی خویش نائل گردید.

برقوای مسلح اسلامی، از ارتش سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان به جبهه روند و مزدوران را از کشور اسلامی‌شان برانند.

«صحیفه امام ج ۱۲ ص ۲۴۱»

ب- از نظر تحلیل مرحله‌ای:

اگر جنگ را بصورت کلی مرحله بندی نمائیم می‌توانیم از بررسی تحلیلی پیروزی، یا شکست، در هر مرحله طرف پیروز نهایی جنگ را دریابیم که البته فرصت تحلیل هر مرحله در این نوشتار و این زمان نیست و می‌شود برای هر مرحله مقاله تحقیقی و تحلیلی علمی تهیه و ارائه نمود ولی من فقط مراحل و نتیجه را در دو سطح هدف و استراتژی فشرده و خلاصه بیان می‌دارم.

مراحل جنگ در سطح و سیاست‌های ملی و اهداف کلی صحنه نبرد

(۱)- بازدارندگی یعنی جلوگیری یا ممانعت از ایجاد تفکر تهدید در ذهن متجاوز و یا ایجاد خدشه موثر در اتخاذ تصمیم دشمن در حمله و در نتیجه پذیرفتن خطرپذیری تهاجم توسط او.

در این مرحله ما صد در صد شکست خوردیم یعنی بهیچ وجه دارای قدرت بازدارندگی نبودیم البته باید عنایت شود که قدرت بازدارندگی در دنیای امروز صرفاً با مؤلفه نظامی تبیین نمی‌شود گر چه فرصت تحلیل و تبیین عوامل بازدارنده ضروری برای نظام مقدس ما در آن زمان نیست ولی در چند جمله می‌توان تعدادی مؤلفه قدرت بازدارندگی را به این شرح برشمرد:

- نفوذ سیاست خارجی در همسایگان، منطقه و جهان

- سیاست داخلی نهادینه شده و مقتدر

- ساختارهای اقتصادی محکم و مولد

- ذخایر کافی اقتصادی و مالی

- وجود طرح های اقتصادی و سیاسی بنیانی، موثر و عملی برای بحران

- امنیت داخلی کامل

- حاکمیت ملی مقتدر
 - یکپارچگی و وحدت ملی هدف دار
 - ساختارهای نظامی و دفاعی مستحکم
 - سازمان، آموزش، انضباط و آمادگی قبلی نیروهای مسلح
 - ارائه نمایش قدرت نظامی به بیگانگان
 - رهبری واحد و مقتدر ملی
 - انسجام و هماهنگی ساختارها و سامانه‌های سیاسی کشور
 - وجود آرمان ها و علایق ملی همگانی
 - ساختار های هوشمند، عالم و به روز اطلاعاتی که بتواند تهدید را از قبل پیش بینی نماید.
 - شناخت و باور به تهدید در تمامی زوایای آن
 - انگیزه و میل ملی به دفاع بر اساس اعتقادات ملی یا مذهبی
- با توجه به موارد فوق و با مطالعه و دقت در تاریخ انقلاب اسلامی از سال ۵۸ تا شروع جنگ تحمیلی در می‌یابیم که بدلیل مبارزات انقلابی ملت بزرگ ایران اسلامی و مقاومت رژیم طاغوت در مقابل مردم و حمایت استکبار شرق و غرب از نظام منحط و مستبد و فاسد پهلوی و بعد خصیصه انقلاب و به تبع آن دگرگونی ساختارهای سیاسی و مواردی دیگر مثل حضور منافقین و گروه های ملحد وابسته به غرب و شرق- اداره اجرایی کشور توسط ملی مذهبی‌های مرعوب یا وابسته به غرب، حضور تفکر لیبرالی غربی و مخالف سیره مبارزاتی حضرت امام در رأس امور (بنی صدر)، بسیاری از مولفه‌های مذکور یا وجود نداشت و یا با خلل و اشکال فراوان مواجه بود.
- به عنوان مثال توان ارتش جمهوری اسلامی ایران به کمتر از نیم تقلیل یافته بود و قریب به سی در صد همین توان در مناطق شمالغرب کشور، گنبد و مناطقی از خوزستان درگیر مبارزه با ضد انقلاب بود. سپاه پاسداران نیز دوران اولیه حیات و طفولیت خود را می‌گذراند و همین سپاه نوپا هم در درگیری‌های مذکور فعال بود، اقتصاد کشور در حال رکود و درهم ریخته بود، نهاد های سیاسی کشور هنوز با شرایط و نیاز های زمان استقرار و استحکام نیافته بود، کشور دستخوش ناامنی‌های ضد انقلاب بود، یکپارچگی و وحدت

هدفدار دوران انقلاب سست شده بود و برای وضعیت جدید هدف‌دار نشده بود، ساختار دفاعی متزلزل و مواقعی تعطیل بود- ارائه نمایش قدرت نظامی معمول نشده بود، انسجام و هماهنگی در ساختار و سامانه سیاسی کشور وجود نداشت. از طرفی با شعارهای گروه‌های منحرف و ملحد و ضد انقلاب تا حدودی در کیفیت همگانی آرمانها و علائق ملی خدشه وارد شده بود و از همه مهمتر اینکه در ارکان رده بالای سیاسی کشور، بدلائل: کمیت اکثریت شیعه مردم عراق، تصوّر مطلق از تنفر مردم عراق از دیکتاتوری صدام، عدم محاسبه درست از رشد هدف دار توان نظامی عراق در چند سال قبل از انقلاب و حسن نیت بیش از اندازه به مجامع و سازمان های جهانی، باور به تهدید از سوی عراق و تصور تحقق این تهدید وجود نداشت. لذا اراده سیاسی برای ورود به یک جنگ ناخواسته دیده نمی‌شد ضمن اینکه ساختارهای اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی فرو ریخته بود و تحرکات و درگیری‌های مرزی بدون تحلیل علمی نظامی بدست مسئولین می‌رسید و قرائنی از جنگ را برای آنان پیش‌بینی نمی‌کرد و آن تعداد از عناصر نظامی که نه بصورت نهادینه بلکه بصورت فردی و بدلیل دلسوزی و تخصص خویش تحلیل‌های علمی از پیش‌بینی وقوع تهدید را ارائه می‌دادند قادر به ایجاد باور تهدید در سیاسیون نبودند، لذا باور ملی به تهدید وجود نداشت.

مؤلفه‌های قدرتمند و موثر باقیمانده بازدارندگی در مواردی که احصاء شد عبارت بودند از:

«۱» حضور رهبری پیامبر گونه حضرت امام رضوان اله تعالی علیه

«۲» انگیزه و میل ملی برای دفاع بر اساس اعتقادات دینی (منبعث از سیره و مدیریت

دینی حضرت امام)

«۳» وجود ارتش (البته با وضعیتی که در بالا ذکر شد) آن هم صرفاً به دلیل درایت،

آینده‌نگری و دلسوزی حضرت امام و تعداد معدودی از سران از جمله مقام معظم رهبری که برای بقاء ارتش اقدام نمودند

«۴» تشکیل سپاه و بعد بسیج مستضعفین و سرازیر شدن جوانان مؤمن پرشور به این

دو نهاد انقلابی که این موارد هم مدیون نعمت وجود حضرت امام و رهبری بوده و هست.

و در یک جمله می‌توان گفت اگر امام نبود، با شروع جنگ، از ایران اسلامی و

اسلام شیعی چیزی باقی نمی‌ماند.

البته بعد از مرحله بازدارندگی همین چهار مؤلفه فوق به ویژه نقش حضرت امام و عشق و ارادت ارتشیان به امام و شهادت طلبی ملت شهیدپرور بود که در هفته اول ارتش عراق را در بسیاری از مناطق زمین‌گیرکرد و استراتژی او مبنی بر تجزیه ایران و سقوط جمهوری اسلامی را منجر به شکست نمود و بنیان و پایه دفاع جانانه، حماسی و ایثارگرانه پیروزمند ارتش، سپاه پاسداران قهرمان و بسیج جان برکف مردمی رابرای جمهوری اسلامی ایران بنا نهاد.

نتیجه اینکه در این مرحله موفق نبودیم و پیروز این مرحله دشمن بود که هزاران کیلومتر مربع از سرزمین اسلامی ما را اشغال نمود ولی دلایل این عدم موفقیت در مرحله بازدارندگی، خود برگ برنده سیاسی غیر ارادی هم برای ما بود که به دنیا می‌گفتیم ما قصد جنگ نداشتیم زیرا انقلاب اسلامی خود را برای جنگ آماده نکرده بود و می‌خواست به ساختار نوپای خود پردازد .

(۲) در هم شکستن حمله دشمن در مرزها

بدلایل ذکر شده در مرحله بازدارندگی، استقرار نیروهای نظامی بر مبنای پیش‌بینی و نوع تهدید و متناسب با تهدید در مرزها صورت نگرفته بود و با امکانات سیاسی اقتصادی و تجهیزاتی آن زمان هم با شروع جنگ، رساندن امکانات نظامی متأسفانه به زمانی بیش از ۴۵ روز تا ۲ ماه نیاز داشت که این امور باعث شد در مرحله در هم شکستن حمله دشمن در مرزها هم کاملاً موفق نباشیم و نیروهای موجود ارتشی در مرزها با ایثار جان و شجاعت مثال زدنی در مقابل یگان‌هایی تا ده برابر استعداد خود ایستادگی کردند تا در مراحل بعد جنگ به موفقیت برسیم. در هر حال پیروزی این مرحله قریب به ۳۰٪ است.

(۳) - کند کردن - متوقف کردن و سد کردن پیشروی دشمن و زمین‌گیرکردن او

در این مرحله با توجه به اینکه دشمن قصد تصرف شهرهای بزرگی همچون کرمانشاه، ایلام، اهواز، آبادان و خرمشهر و در صورت موفقیت تسخیر پایتخت را داشت (البته آرزویی خیالی‌پردازانه بود) و اگر چه شهرهایی چون قصر شیرین، ذهاب، مهران، خرمشهر و ... را تصرف کرده ولی ارتش جمهوری اسلامی ایران در همان بدو حمله دشمن و با تلاش‌های

مظلومانه و شجاعانه باعث شد که دشمن به اهداف عمده خود نرسیده و در خرمشهر با دفاع جانانه مردم و تکاوران دریایی دانشجویان دانشگاه افسری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی قریب به چهل روز موفق نشود و بعد بلافاصله با حضور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مخلص و شجاع، دشمن کاملاً زمین‌گیر شد و لذا می‌توانیم بگوییم ما موفق و پیروز بودیم. (این مرحله ۸۰٪ ضریب موفقیت ماست)

(۴) - مرحله بیرون راندن دشمن از سرزمین‌مان :

که در این مرحله ما در نهایت توانستیم دشمن را از تمام مناطق اشغالی بیرون کنیم و یک وجب از آب و خاک میهن اسلامی از کشور ما جدا نگردید و لذا در این مرحله هم کاملاً پیروز شدیم. (۱۰۰٪ موفقیت)

(۵) - تنبیه متجاوز و انهدام ماشین جنگی عراق مرحله پنجم جنگ ماست.

در این مرحله با توجه به تعداد اسراء و تجهیزات و تسلیحات انهدامی و به غنیمت گرفته شده از دشمن نه صددرصد بلکه تا حدود زیادی موفق بودیم. (۸۰٪ موفق بودیم گرچه بلافاصله دنیای استکبارعراق را بازسازی می‌کردند و زخم‌های او را التیام می‌بخشیدند)

(۶) - تحمیل اراده سیاسی به متجاوز و حامیان او در تسلیم به خواسته‌های ما:

که با قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و بعد با اعلام دبیر کل سازمان ملل بر معرفی عراق به عنوان آغاز کننده جنگ و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توسط صدام در این مرحله موفق و پیروز بودیم گرچه بحث پرداخت خسارات جنگ تاکنون تحقق نیافته است. (۱۰۰٪ موفقیت ما حتمی است)

(۷) - و آخرین مرحله دفع فتنه یا نابودی حاکمیت متجاوز :

در این مرحله نتوانستیم به پیروزی کامل دست یابیم و دلیل عمده آن این بود که تمامی حامیان صدام بخصوص آمریکا عملاً وارد جنگ با ایران اسلامی شدند و لذا وسعت

فتنه و تهدیدات فتنه انگیز و عمق و شدت آن بیش از توان ما گردید ولی در این مرحله هم شجاعت حضرت امام در پذیرش قطعنامه ما را از آسیب فتنه در امان داشت. البته به نظر بنده در این مرحله ما بیش از ۵۵٪ موفق بوده‌ایم زیرا صدام می‌بایست برای جبران شکست خود و تأمین اهداف خود جنگ دیگری را رقم می‌زد که حمله به کویت به این دلیل بود. یعنی شکست صدام از ایران اسلامی بزرگترین دلیل حمله او به کویت بود و بعد با شکست نهایی در حمله به کویت و با توجه به وجود دو شکست (حمله به ایران و حمله به کویت) ارتش عراق از نظر انگیزه، روحیه، میل به جنگ جویی، توان و قدرت نظامی، پشتیبان مردمی، عدم اعتماد به رهبران به وضعیتی در آمده بود که شکست صدام را خواهان بود که این امر همراه با اراده ملی مردم در مبارزه با حکومت و وابستگی ارتش صدام به شرق و غرب یعنی همان‌هایی که برای آن‌ها می‌جنگید شکست صدام را در کوتاه‌ترین زمان ممکن ساخت و همین‌طور چهره منفور شکست خورده‌ای که از صدام در دنیا توسط دفاع جانانه ما ترسیم شده بود خود یک پیروزی سیاسی و معنوی برای ما بود.^۱

شکست صدام در استراتژی نظامی

همان‌طور که قبلاً بیان گردید صدام و استکبار با توجه به اهداف و سیاست‌هایشان از تحمیل جنگ که آن را هم در چهار مرحله ذکر کردم (تحت عنوان دلایل) در چهار مرحله، چهار نوع استراتژی نظامی را پیگیری نمودند که تعداد مراحل و انواع آن خود نشان از عدم موفقیت در هر مرحله است که باعث می‌شد نوع و مرحله دیگری از استراتژی را تبیین و دنبال نمایند.

در مرحله اول جنگ سریع و برق‌آسا را برای تأمین و تحقق اهداف و سیاست‌ها مد نظر داشتند، طوری که بتوانند نیروی هوایی، مراکز حساس، نقاط حیاتی و روحیه و انگیزه دفاعی را در سه روز اول نبرد منهدم نمایند و تا یک هفته به کلیه اهداف سیاسی خود با این نوع نبرد نائل گردند که عملیات ۱۹۲ فروندی تهاجمی نیروی هوایی عراق به فرودگاه‌ها و

۱ - برای تبیین این وضعیت مناسب است که به کتاب «آمریکا قبل و بعد از اشغال عراق» تحلیل مؤلف و تنظیم علی اعوانی، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران مراجعه نمایید.

پایگاه‌ها در شهرها در این جهت بود و پیامد آن از روز اول مهر حمله ۱۲ لشکر مسلح زرهی و مکانیزه با پشتیبانی آتش توپخانه، با این استراتژی آغاز گردید.

اولین اقدام وسیع جمهوری اسلامی ایران عملیات ۱۴۰ فروندی شکاری بمب افکن‌های نیروی هوایی ارتش بود (کمان ۹۹ که به دلیل داستان آرش کمان‌گیر نام عملیات کمان و به دلیل پرونده ۹۹ برگی آن کمان ۹۹ نام گرفت). و البته تعداد کل هواپیماهای شرکت کننده در این عملیات به قریب ۱۹۰ فروند می‌رسید گرچه عصر همان روز ۳۱ شهریور نیز تعدادی از عقابان تیزپرواز نیروی هوایی چند عملیات را داخل خاک عراق انجام دادند ولی وسعت این عملیات (کمان ۹۹) دلیران هوایی ارتش حزب‌الله طلیعه شکست استراتژی جنگ سریع و برق‌آسای عراق بود. در روی زمین گرچه در کمتر از سه روز در مناطقی تا عمق بیش از ۷۰ کیلومتر ارتش عراق پیشروی داشت، ولی با دلاوری یگان‌هایی از ارتش که در مرزها بودند و رشادت و شهادت‌طلبی هوانیروز و نیروی هوایی و کمک‌های مردمی نتوانست از کرخه جهت تصرف شوش، دزفول، اندیمشک و اهواز بگذرد و در غرب هم به تصرف کرمانشاه موفق نگردید و توقف ۳۴ روزه ارتش مقتدر عربی (دومین ارتش بعد از مصر) در پشت دیوارهای خرمشهر قهرمان، سطور شکست این استراتژی را در تاریخ نظامی رقم زد و بعد نابودی نیروی دریایی عراق در ۷ آذرماه سال ۵۹ در کمتر از ۳ ماه از آغاز حمله عراق، توسط دریادلان قهرمان نیروی دریایی که با پشتیبانی نیروی هوایی، عملیات مروارید را انجام دادند گرچه یاد و خاطره ناوچه پیکان را جاویدان نمود ولی چنان شکست تلخی را به عراق تحمیل کرد که تا پایان جنگ وی را از خلیج فارس و سواحل و بنادر خود در آن محروم نمود و مهر پایانی بر استراتژی جنگ برق‌آسای عراق زد و این استراتژی مرگ خود را فریاد نمود و رویای فتح سه روزه خوزستان و یک هفته‌ای تهران صدام بر باد رفت.

از این به بعد عراق استراتژی تثبیت اشغال را پی گرفت تا به این شیوه، جمهوری اسلامی ایران را به زانو درآورده و به تسلیم و در نهایت به سقوط وا دارد که این استراتژی نیز با عملیاتی چون خوارزم، الله اکبر، بازپس‌گیری دهلاویه، سوسنگرد و بعد ثامن‌الائمه بیمار گشت و با عملیات طریق‌القدس بانگ رحیل خودش را نواخت تا شاهد مرگ خویش

بعد از عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس باشد و آرزوی تثبیت صدام در مناطق اشغالی نیز تحقق نیافت.

دیگر استراتژی که حامیان صدام برایش تدارک دیدند انجام جنگ فرسایشی بود که با این شیوه بتوانند آن چنان توان رزمی و قدرت ملی جمهوری اسلامی را تحلیل ببرند که سطح و عمق ناراضیتی ملی، جمهوری اسلامی را ساقط نماید که در این مرحله نیز با انجام عملیات برون مرزی رزمندگان اسلام به صورت گسترده و عمیق، انهدام ماشین جنگی عراق در زمین و هوا و افزایش روحیه ایثار و مقاومت، شهادت‌طلبی مردم بزرگ و درایت و رهبری الهی امام و ایستادگی نیروهای مسلح نه تنها سودی عاید صدام نکرد بلکه کفه ترازو را در این استراتژی به سود ایران سنگین نمود و موفقیت ایران را در اداره موفق یک جنگ فرسایشی به منصفه ظهور رساند.

لذا صدام و حامیانش آخرین گزینه را به عنوان استراتژی پایان‌دهی متوازن جنگ انتخاب نمودند و حضور علنی آمریکا در جنگ نفتکش‌ها، حمله به هواپیمای مسافربری ایرانی، حمله به ناوشکن‌های ارتش جمهوری اسلامی و به سکوهای نفتی در اجرای این استراتژی بود که به این وسیله صدام را از شکست مفتضحانه و پرتگاه سقوط تجات دهند و این مرحله بود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را باعث گردید. گرچه پذیرش قطعنامه نتیجه این استراتژی نظامی بود ولی وقتی توسط جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شد که حداکثر خواسته‌های جمهوری اسلامی در آن لحاظ گردید، لذا نه تنها این مرحله هم پیروزی برای صدام نبود بلکه به دلیل برداشتن نظرات ایران در مفاد قطعنامه ۵۹۸، پیروز سیاسی این مرحله هم ایران اسلامی بود.

این بحث که گفته شد تحلیل مرحله‌ای نتیجه جنگ بود اگر به این تحلیل هم توجه کنیم در می‌یابیم که از نظر کمی مراحلی که پیروزی داشته‌ایم بیشتر است یعنی از هفت مرحله ذکر شده بیشترین مراحل را پیروزی داشته‌ایم، از طرفی اگر بصورت کیفی هم به آن بنگریم چون محوری‌ترین مراحل عملی دفاع مراحل ۳، ۴، ۵ و ۶ می‌باشد و علاوه بر آن در استراتژی نظامی صدام هم تغییر در استراتژی‌ها به دلیل شکست در استراتژی قبلی بوده

است که توضیح آن داده شد لذا به ضرس قاطع می‌توان گفت ما در تمام مراحل پیروز بوده‌ایم لذا پیروز نهایی و واقعی جنگ، ایران اسلامی بوده است.

در خاتمه باز یادآور می‌شوم: رهبری دینی حضرت امام، هوشمندی و آینده‌نگری معظم‌له، ارادت ارتش به ایشان، روح شهادت طلبی مردم عزیز ما، آموزه‌های اعتقادی دین شریف اسلام، وحدت ملی در امر دفاع، اعتلای روزافزون سپاه و تلاش ایثارگرانه سپاهیان و حضور مخلصانه و شهادت طلبانه بسیجیان در صفوف اول نبرد و اثر نفوذی حضرت امام در قلب‌های یکایک مردم شریف ایران دلیل این پیروزی‌ها بود، که نقش اساسی و محوری متوجه حضرت امام احیاگر و مجدد اسلام ناب محمدی است و روحانیت معزز پیرو خط حضرت امام به ویژه رهبر معظم انقلاب و به خصوص در ارتش (زیرا معظم‌له با تمشیت امور ارتش و همین‌طور حضور مداوم و مؤثر در جبهه‌ها نقش برجسته و منحصر به فردی در این خصوص دارا هستند مثل نجات سوسنگرد که در حقیقت مرهون فرماندهی اعلام نشده ایشان است) که در بخش بعد به تفکیک این مؤلفه‌ها را صرفاً می‌شماریم.

«من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع، قبل از آن که پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی که از دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم.»

«پیام امام خمینی (ره)؛ کتاب عملیات طریق‌القدس، ص ۲۰۰»

دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ

در دنیای امروز تعریف قدرت صرفاً شامل عوامل مرئی قدرت نیست زیرا جنبه نامرئی قدرت نیز محور تشکیل دهنده قدرت و به قولی مهمترین عنصر آن است که ابعاد مهم این جنبه عبارتند از:

- رهبری و فرماندهی
 - وفاق و وحدت ملی
 - انگیزه
 - صبر در مقاومت
 - شجاعت عناصر رزمنده
 - شأن و منزلت فداکاری در مسیر هدف
 - علم و دانش نبرد به ویژه در طراحان عملیات
- که ایران اسلامی در زمان جنگ و هم اکنون از این عناصر در بالاترین مرتبه برخوردار بوده و می‌باشد یعنی دلایل عمده پیروزی ما:
- عنایت حق تعالی
 - رهبری پیامبر گونه حضرت امام رضوان الله تعالی علیه و سرفرماندهی عالی آن بزرگوار
 - ایمان مذهبی
 - وحدت ملی
 - انگیزه مبارزه با دشمن متجاوز
 - خودباوری علمی، فنی در تعمیرات و بهینه‌سازی و ساخت قطعات و ابزار جنگی مورد نیاز
 - نگهداری مطلوب تجهیزات و سلاح‌های جنگی و استفاده بهینه از آنها
 - خلاقیت و ابتکار در طراحی و اجرای عملیات نظامی
 - روحیه صبر فردی و ملی (همگانی)
 - توکل فردی و جمعی
 - مقاومت شجاعانه ملی (تمامی ملت)
 - روحیه شهادت طلبی رزمندگان

- درایت و کاردانی، علم و شجاعت طراحان و فرماندهان جنگ و تک تک رزمندگان که سرآمد آنان شهید بزرگوار، سپهبد علی صیاد شیرازی بود

- هوشمندی سیاستمداران

- روحیه ایثار جمعی امت ما که بیشترین شهید را تقدیم کرده و پشتیبانی از جنگ را با تمام توان معمول داشتند.

- تمامی موارد و تلاش‌های فوق‌الذکر عنایت خداوند جل جلاله را برای این ملت جلب و پیروزی‌ها را باعث گردید و در انتها دوباره ذکر یک نکته را ضروری می‌دانم که آن هم نقش راهبردی فرماندهی و رهبری حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه بود که در یک جمله می‌گوییم: عوامل مرئی و نامرئی قدرت ملی که در ابتدای جنگ و در مرحله بازدارندگی بسیاری از آن‌ها وجود نداشت و بسیاری دچار خدشه گردیده بود با فرماندهی و رهبری آن پیر فرزانه تمامی مؤلفه‌های نامرئی ایجاد و اکثر مؤلفه‌های مرئی نیز ساخته و پرداخته گردید تا با لطف خدا پیروزی‌ها حاصل شود.

اینها عوامل عمده پیروزی ما در جنگ می‌باشد. که امید است همواره این جنبه قدرت به همراه جنبه مادی قدرت، سلاح و آموزش و امکانات و تجهیزات و وسائل در حد اعلا و مورد نیاز نظام حفظ شود.

نظامیان از بزرگترین و مهم‌ترین عوامل حفظ قدرت مادی و معنوی، مرئی و نامرئی این نظام و محورهای اصولی قدرت ملی و توان رزمی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و این ارتش وفادار، مجهز، منضبط، مؤمن و آموزش دیده از ارکان اساسی آن است در اینجا ضروری می‌دانم حداقل دو دلیل برجسته وفاداری ارتش را بگویم.

هشت سال دفاع مقدس منتهی به تمامیت ارضی کشور و شکست طرح‌های توسعه طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی مان گردید.

حضرت امام خمینی(ره)

صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۳۳

فداکاری ارتش و ایثار فرماندهان در ارتش حزب الله

در اینجا به آمار مقایسه‌ای شهدا اشاره کنم که سپاه پاسداران ۱۹/۱٪، ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲۱/۷٪ (به تعداد ۴۸۰۰۰ شهید)، بسیج مردمی ۳۹/۲٪، جهاد سازندگی ۱/۱٪، نیروی انتظامی ۴/۲٪ و سایر نیروها و مردم در بمبارانها ۱۴/۷٪ شهید داده‌اند در مجموع ۱۹۰ هزار شهید داده‌ایم^۱. با این آمار مشخص است که بار جنگ بدوش مردم عزیزمان بوده است که در قالب بسیج راهی جبهه‌ها می‌شدند و لذا نیروهای مسلح موظف و مردم ما تا ابد مدیون بسیج و شهدای بسیج هستند ولی در بین نیروهای مسلح موظف نیز تعداد شهدای ارتش نشان از این دارد که ارتش در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است که این همان کلام نورانی حضرت امام در آخرین پیامشان در خصوص ارتش است که در رابطه با نیرویی زمینی فرمودند:

فرازهایی از سخنان حضرت امام خمینی (ره) در رابطه با ارتشیان

«نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، بحق چهره‌راستین و شکست‌ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب با آنهمه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقت‌فرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است.»^۲

«نیروی دریایی نیز همچون سایر نیروها بحمدالله در آبهای خلیج فارس و مرزهای آبی کشور در عرصه دفاع مقدس از کشور اسلامی‌مان چون نگینی درخشانده است و بر عرشه کشتی افتخار و صلابت خود استوار ایستاده است. رویارویی آنان با نیروی دریایی دشمن و آنهمه افتخارات رزم و رشادت و شهادت و نیز کنترل و بازرسی کشتیها در خلیج فارس و تنگه هرمز و مهمتر از همه نبرد قهرمانانه آنان در برابر امریکای متجاوز و

۱ - با یک نگرش دیگر در محاسبه، ترتیب این آمار در ارتش و سپاه و بسیج به این شکل است: ارتش ۲۶٪، سپاه ۲۳٪ و بسیج ۴۳٪ که باز هم تغییری در ادعای وفاداری ارتش نمی‌دهد.

۲ - پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)؛ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۶

حضور جدی آنان در آبهای بین‌المللی نشانه اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است و ملت ایران باید به چنین ارتش مؤمن و وفاداری افتخار کند.^۳»

«شجاعتها و رشادتهای بی‌نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دلاور در نفوذ به اعماق خاک دشمن و رویارویی با مدرنترین امکانات اهدایی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم هوایی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است. مهیا نگه داشتن و تعمیر و بازسازی ادوات و ابزار پیچیده هواپیماها و رادارها و سلاحهای ضد هوایی و موشکها و پدافند از کشور دلیل مهارت و تخصص و ارزشهای علمی والای این عزیزان است که خداوند بر توان و ایمان آنان بیفزاید.»^۱

از فرمایشات فرماندهی کل قوا درباره ارتش و جنگ در روزهای آغازین نبرد «...من امروز اعلام می‌کنم برادران ارتشی، برادرانی که با همه وجود، شب، نیمه‌شب، صبح زود، خواب و استراحت و خوراک را از خود می‌گیرند در میدان‌های خطر و در خط اول آتش حاضر می‌شوند. آن‌ها عزیزان و محبوب قلوب این ملت‌اند.»^۲

دلیل عمده دیگر از وفاداری و ایثار ارتش به انقلاب، اهداء شهداء در بالاترین رده آجا است که در ۱۰۰ سال اخیر و در تمامی نیروهای مسلح دنیا سابقه نداشته که در جنگی و یا در کشوری ظرف ۸ الی ۱۵ سال برای استقرار و استمرار یک نظام و دفاع از آن، دو رئیس ستاد (شهید سپهد قری اولین شهید از سران نظام و شهید سرلشکر فلاحی)، دو وزیر دفاع (شهید فکوری - شهید نامجو) - دو فرمانده نیرو (شهید سپهد صیاد شیرازی - شهید سرلشکر ستاری) - دو جانشین نیرو (شهید بابائی و شهید نیکی) - چند معاون نیرو و ده‌ها فرمانده و جانشین لشکر شهید شوند که ارتش ما این چنین شهید داده است و مهم اینکه

۳ - پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)؛ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۷

۱ - پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)؛ صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۵۶

۲ - از خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۵۹/۲/۱۸)؛ ارتش از نگاه رهبر ص ۱۰

اولین شهید از سران نظام مقدس ما حتی قبل از استاد شهید مطهری، یک ارتشی بنام سپهبد شهید قرنی رئیس ستاد ارتش وقت بوده است.

ما افتخار می‌کنیم که وارثان خون این شهیدان هستیم.

این بحث را با فرمایشی از رهبر معظم انقلاب در خصوص فرماندهان که در مراسم فارغ التحصیلی دانشکده افسری در سال ۶۸ بیان فرموده‌اند پایان می‌بخشم: «کشورها را سیاستمداران اداره می‌کنند و مواقع خطر سرداران هستند که آنرا نجات می‌دهند»

یک تذکر پایانی:

کار سیاستمداران برجسته این است که:

اراده سیاسی را بدون ابزار قوه قهریه بر دیگران تحمیل یا اعمال نماید:

۱- این تحمیل یا با پذیرش است یا با الزام و یا داخلی است یا خارجی.

۲- این تحمیل، اقتصادی، سیاسی یا نظامی است.

ولی وقتی آخرین راه جنگ باشد نیروهای مسلح هستند که اراده را با جنگ تحمیل می‌نمایند و یا اینکه بدون جنگ با نمایش قدرت و حضور خود، کار تحمیل اراده سیاستمداران را آسان می‌کنند و ضمانت می‌بخشند.

و ما ارتشیان برای این که صلح را برای مردم و انقلاب و نظام مقدسمان تضمین نماییم باید هر لحظه و همیشه برای جنگ و جهاد مقدس فی‌سبیل.. آماده باشیم تا عزت و اقتدار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مستمر و روزافزون باشد.

این جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهنای جهان منتشر نمود.

«امام خمینی(ره)»